



ورود حضور نیروهای جوان و تازه نفس یکی از نیازهای اصلی هر حرفه‌ای به‌شمار می‌رود و سینمای ایران از این امر مستثنی نیست و همانطور که شاهد هستیم چندین سال است چهره‌های جوان زیادی به‌عنوان بازیگر و کارگردان وارد حوزه سینما شده‌اند. ناگفته پیداست که این اتفاق در ذات خود امری لازم و ضروری است اما چگونه وارد شدن، چگونه ماندن و حضور ادامه‌دادن راه این افراد مسئله‌های بسیار

حائز اهمیت است. در سال‌های اخیر، موج بزرگی از فیلمسازان جوان وارد سینمای حرفه‌ای شدند. طوری که بنا بر آمارهای غیر رسمی، امسال بیش از ۶۰ فیلم کارگردانان فیلم‌اولی متقاضی حضور در جشنواره بودند! نکته‌ی عجیب آن است که در چهار سال اخیر، تعدادی از این فیلمسازان تازه‌کار با تک‌کاپه بودجه‌های دولتی و یاسفارش مدیران سینمایی سابق وارد سینما شدند و کارگردانان در جشنواره‌ی فجر بود. بسیاری از این فیلم‌ها حتی در حد اکران عمومی نبودند و به‌نظر می‌رسد یکی از چالش‌های مدیران فعلی آن است که با این موج عظیم روبه‌رو شوند. شاید به‌همین دلیل است که هیئت انتخاب و مدیران جشنواره‌ی سی‌و دوم مجبور شدند ۲۰ فیلم را در بخش مسابقه‌ی فیلم‌اولی بی‌زیر و بند بخش خلق‌الساعه‌ای با عنوان «فوجی تجربه» به جشنواره اضافه کنند. اما فارغ از جشنواره و حواشی‌اش، آیا ظرفیت نمایش سینمای ایران طاقتمند این حجم فیلم‌اولی را دارد؟ اواخر دهه‌ی ۱۳۷۰ و اوایل دهه‌ی ۸۰ کانون کارگردانان وظیفه‌ی احراز صلاحیت کارگردانان جوان فیلم‌اولی را بر عهده داشت. بر اساس قواعد آن دوران، در هر سال حداکثر هفت فیلم‌ساز می‌توانستند برای فیلم خود مجوز ساخت بگیرند. با توجه به حجم تولیدات سالانه، مدیران سینمایی وقت تصور می‌کردند که آثار فیلمسازان جوان باید نُه تا ۱۰ درصد از حجم تولید سالانه سینمای ایران را تشکیل دهند. آن زمان بسیاری از نیروهای تازه‌نفس به‌این قاعده اعتراض داشتند. از نظر آن‌ها این سدی در برابر ورود استعدادها و تجربه‌های جدید بود. در واکنش به این اعتراض‌ها، بعد از چند سال، کانون کارگردانان این مسئولیت را به مدیران دولتی بازگرداند. با آغاز به‌کار دولت نهم، این قاعده دیگر وجود نداشت، اما در عمل همچنان رعایت می‌شد. در دولت دهم و یاروی کار آمدن جواد شمع‌داری و هم‌فکرانش قاعده‌ی بازی تغییر کرد. آن‌ها گفته بودند ریل‌گذاری سینما را تغییر می‌دهند و اتفاقاً یکی از اقدام‌هایشان که مسیر حرکت سینمای ایران را تغییر داد، ورود بی‌قاعده‌ی خیل عظیمی از افراد گمنام به عرصه فیلمسازی بود. فارغ از درستی یا نادرستی این حرکت که حاصلش را حالا در سال ۹۲ شاهدیم، مسئله‌ی نمایش این فیلم‌ها به‌یکدیگر معضل‌های جدی سینما تبدیل شده است: از نمایش در جشنواره تا اکران عمومی، سیر و وس تسلیمی تهیه‌کننده، علی معلم منتقد و عضو هیئت انتخاب جشنواره‌ی فجر در دو سال اخیر و علیرضا رئیس‌پیشین کانون کارگردانان درباری ورود این موج بزرگ کارگردانان فیلم‌اولی و تأثیرات آن با «صبا» سخن گفته و دیدگاه‌هایشان را مطرح کرده‌اند.

علیرضا رئیس‌پیشین: عده‌ای فیلم می‌سازند که سرگرم شوند



علیرضا رئیس‌پیشین، حضور گسترده‌ی فیلم‌اولی‌ها در سال‌های اخیر رایی اشکال می‌داند، اما برای آن شرط‌هایی قائل است: «به نظر من اگر این آثار با چشم‌اندازی ساخته شوند که نگاه‌ها به‌اکران عمومی در سینما نداشته باشند، ایرادی ندارد. زیرا این دسته از فیلمسازان این اختیار را دارند که با سرمایه‌ی شخصی خودشان کاری را تجربه کنند و این معنی ندارد اما نباید خود را صاحب‌حق بدانند که اگر اثری را تولید می‌کنند آن اثر در سینمای کشور اکران شود. بر فضای عمومی اکران در حال حاضر فضای محدودی است و نمی‌توانیم آن‌را به‌نمایش عمومی فیلم‌هایی اختصاص دهیم که نه‌مورد استقبال مخاطب قرار می‌گیرند و نه در هیچ جشنواره‌ای می‌توانند موفق باشند. اگر به سینمای کشور‌های دیگر هم نگاه کنید همین وضعیت وجود دارد. مثلاً در کشوری مانند فرانسه از صد درصد فیلم‌اولی که ساخته می‌شود، کمتر از ۵ درصدش به‌اکران عمومی درمی‌آید، آن هم آن‌ها هستند که بسیار شاخص‌اند و استعداد چشمگیری در کار سازندگان آنها وجود داشته. اما در ایران قضیه فرق می‌کند: ما هر ساله شاهد هستیم که فیلم‌های بسیاری با سرمایه‌ی بخش‌های دولتی، نیمه‌دولتی، ارگان‌ها و سازمان‌های مختلف ساخته می‌شود که کیفیت بالایی هم ندارند اما سهمی از فضای عمومی اکران را هم به خودشان اختصاص می‌دهند.»

رئیس‌پیشین که پیش از این ریاست کانون کارگردانان را بر عهده داشته در خصوص عملکرد این کانون و مجوز ورودی که به فیلمسازان برای فعالیت داده می‌شد، یاد آور شد: «ما در آن زمان جدولی داشتیم که در آن طی توافقی که با وزارت ارشاد کرده بودیم تنها ۱۰ تا ۱۵ درصد تولیدات را به فیلم‌اولی‌ها اختصاص می‌دادیم که آن هم طبق قواعد مشخصی بود و اینطور نبود که هر کسی به راحتی بتواند به‌عنوان فیلم‌اولی اثرش را به جشنواره ارائه کند اما وضعیت در دولت قبلی کاملاً تغییر کرد. مسئله اینجاست که اگر کسی بخواهد برای خودش فیلم بسازد منع قانونی وجود ندارد اما اینکه بخواهیم اجازه‌ی اکران عمومی به هر فیلمی بدهیم، کار اشتباهی است. ما در حال حاضر فیلمی را در اکران داریم که پول تبلیغاتش از فروش این فیلم بیشتر شده، فیلمی که در زمان جشنواره هم نتوانست موفق باشد اما حوزه‌ی هنری این فیلم را با سرمایه‌ی خودش ساخته و از آنجایی که سالن‌های سینما را هم در اختیار دارد، آن را اکران عمومی نیز می‌کند. این اتفاقی است که سال پیش هم افتاد و چندین فیلم توسط حوزه‌ی هنری، شهر داری و... ساخته شدند که نباید ظرفیت نمایش به آن فیلم‌ها اختصاص می‌یافت اما این اتفاق افتاد. بحث مهمی که در این میان وجود دارد این است که اگر کسی با سرمایه‌ی شخصی خودش فیلمی را بسازد که از کیفیت لازم هم برخوردار نباشد، کسی نمی‌تواند به آن ایرادی وارد کند اما اینکه ارگان‌های مختلف و بخش‌های دولتی و نیمه‌دولتی با سرمایه‌ی عمومی بخواهند از این دست فیلم‌ها بسازند، جای پرسش جدی دارد که چرا باید چنین اتفاقی بیفتد زیرا همین سرمایه‌ی می‌تواند صرف آثاری کرد که مورد استقبال قرار می‌گیرند یا تجربه‌ی تازه‌ی هستند.» رئیس‌پیشین در پایان یادآوری اینکه در ۴ ماه اخیر، ۸۰ درصد پروانه‌هایی که برای ساخت فیلم‌ها صادر شده، مربوط به فیلم‌اولی‌هاست، گفت: «اگر ورود فیلمسازان جوان قاعده‌مند و بر اساس ضوابط باشد، ایرادی ندارد و نباید سد راه آنها شد اما چنانچه قرار است کسی بدون در نظر گرفتن قواعد و با سرمایه‌ی شخصی‌اش فیلم بسازد، باید به‌این تذکر را بدهند که توقع اکران عمومی فیلم‌اش را نداشته باشد. متأسفانه عملکرد دولت جدید تا به امروز نشان داده که هنوز اراده‌ی جدی برای ضابطه‌مند کردن حضور فیلمسازان وجود ندارد.»

علی معلم: مشکل از ساز و کار تولید است



علی معلم در مورد حضور فیلمسازانی که در این چند سال اخیر به شکل چشمگیری وارد سینما شده‌اند، معتقد است: «این اتفاق، یک پدیده‌ی طبیعی است و سینما در سیر تحولاتی خود نیازمند حضور نیروهای جوان است و نباید محدودیت یا مجرای انحصاری در این زمینه وجود داشته باشد. اما مشکلی که در زمینه حضور کارگردانان فیلم‌اولی وجود دارد که مربوط به ساز و کار تولید فیلم در ایران می‌شود نه در استعداد‌های جوان.

مخاطب عام جذابیت ندارد. این آثار باید با مشخصات ویژه‌ای ساخته شوند تا در زمان اکران با اقبال مخاطب مواجه شوند. آن هم در این شرایط آشفته‌ی اکران و سالن‌های سینما که فیلم‌های بزرگ هم آسیب می‌بینند چه برسد به فیلم‌های اول. ساز و کار نمایش فیلم‌ها این روزها در ایران بهم ریخته و محدود است و تنگناهای بی‌شماری وجود دارد. به‌همین دلیل باید با قدرت بیشتری فیلمسازی کنیم. بیشتر آثار این کارگردانان برای عرضه در سینما و به‌سفارش مردم تولید نشده‌اند و طبیعی است که در زمان اکران هم دچار مشکل شوند.» این تهیه‌کننده درباره‌ی تأمین هزینه‌ی تولید این آثار می‌گوید: «بخشی از این هزینه‌ها از منابع شخصی تأمین می‌شود و غالباً فیلم‌های ارزان‌قیمتی هستند که با همکاری گروه سازنده تولید شده‌اند و بنابراین اگر شکست هم بخورند تأثیر اقتصادی زیادی روی سازندگان نمی‌گذارد.»

معلم در پایان به حضور بخش «نگاه‌نو» در جشنواره‌ی فیلم فجر اشاره می‌کند: «بخش نگاه‌نو از آن دسته سنت‌هایی است که چند سالی است به جشنواره‌ی فیلم فجر اضافه شده و به‌نظر من نیاز است تغییراتی در آن ایجاد کنیم. از سوی دیگر به‌نظر می‌رسد توجه به تعداد زیاد فیلم‌های اول بهتر است جشنواره‌ی مجرای بی‌پایه‌ی این فیلمسازان برقرار کنیم و آثار آنها را در آنجا مورد ارزیابی قرار دهیم.»

جشنواره‌ی سی‌و دوم تحت تأثیر حضور پرنرنگ و غیرطبیعی فیلمسازان تازه‌کار است... با این موج عظیم چه باید کرد؟



سیر و وس تسلیمی: برای سینما مخالف می‌سازیم



سیر و وس تسلیمی درباره‌ی دلایل حضور تعداد قابل توجهی از فیلمسازان فیلم‌اولی می‌گوید: «به این موضوع می‌توان از چندین زاویه نگاه کرد: یکی اینکه فیلمسازان جدید به‌مدیران خیلی احترام می‌گذارند و از طرفی به‌نسبت فیلمسازان قدیمی که چندین سال است در این حوزه فعالیت دارند، بگیرند تر هستند و بیشتر پشت درها می‌مانند تا بتوانند مجوز ساخت فیلم‌هایشان را بگیرند و این اتفاقی است که به‌۳ سال گذشته و مسئولان سینمایی آن دوره باز می‌گردد. عامل دیگرش این است که این افراد بخش مهمی از بودجه‌ی ساخت فیلم‌ها را با خودشان می‌آورند و خیلی کم به‌پیش می‌آید فیلمساز اولی بدون بودجه بیاید و بخواهد فیلمی را بسازد.» سرمایه‌ی لازم برای ساخت این آثار دیگر موضوعی است که تسلیمی به آن اشاره می‌کند: «برخی از این افراد بودجه‌ی تولید فیلم‌ها را از ارگان‌های دولتی می‌آورند و برخی نیز آن را از آشنایان و اطرافیان تأمین می‌کنند و در هر حال یکی از عواملی که باعث استقبال از حضور این افراد در سینما می‌شود، این مسئله است. نکته‌ی قابل توجه دیگر این است که کارگردانان این دسته از فیلمسازان باعث می‌شود فیلم‌ها را از ترس ساخته‌شودزیرا به‌طور مثال اگر شما پیشنهاد ساخت یک فیلم‌را به یک کارگردان با سابقه بدهید، باید بودجه‌ی خوبی داشته باشید و خیلی از تهیه‌کنندگان چنین پولی را ندارند که به‌سینما بیاورند و به‌همین دلیل از فیلم‌اولی‌ها استفاده می‌کنند. البته تعدادی از این فیلمسازان آسیب می‌بینند، ما خانمی داشتیم که سال‌ها دستیار کارگردان بود و کارش هم خوب بود اما یک فیلم را کارگردانی کرد و حال چندین سال است بیکار شده چون نه‌دیگری می‌تواند دستیار او را پیدا کند و نه‌می‌تواند فیلمی بسازد. کسانی که فیلم اولشان را می‌سازند، شاید ۱۰ درصدشان بتوانند فیلم‌های دوم و سوم را هم بسازند و در نتیجه‌ی این اتفاق است که پتانسیل نارضی پیدا می‌کنند و به‌زمین‌زدن و بدو بیراه می‌گویند به‌خصوص اگر فیلم‌هایشان امکان اکران پیدا نکنند یا در شرایط بد اکران شوند زیرا می‌دانند فیلم دومی در کار نخواهد بود. ما با این کار برای سینما مخالف می‌سازیم.»

این تهیه‌کننده در ادامه به حضور فارغ‌التحصیلان رشته‌ی سینما در بازار کار اشاره می‌کند: «این مسئله را هم نمی‌توانیم نادیده بگیریم که هر سال نزدیک ۲ هزار نفر از دانشکده‌ها و موسسات مختلف فارغ‌التحصیل می‌شوند و می‌خواهند وارد سینما شوند و به خانواده‌هایشان فشار می‌دهند تا آنها را به‌آثار سینمایی تبدیل کنند.»